

مطالعه‌ی معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی در میان دانشجویان The Study of Individual and Social Mate Selection criteria among Students

Dr Asadollah Babaiefard

Assistant Professor, Department of
Social Sciences, Humanities
Faculty, University of Kashan
babaiefardm@gmail.com

Amin Heydarian

M.A. in Cultural Studies
amin.hn2011@yahoo.com

Elham Sharifi

B.A. in Social Sciences Research
rojein_720@yahoo.com

دکتراسداله بابایی فرد

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

امین حیدریان

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

الهام شریفی

کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه پیام

نور آران و بیدگل

Abstract

Marriage is one of the most important events that have been studied from various aspects. This Paper studies some of the factors influencing Individual and Social marriage criteria among Kashan University Students. Theoretical topics of this study is based on Homogamy Theory and Statistical population of the study is Kashan University Students studying in the academic, among them a sample of 240 people are selected and studied. The results show that there is significant relationship between variables of the influence of Reference Groups and Family Economic Status with Individual Marriage Criteria and, also, there is significant relationship between variables of the influence of Reference Groups, Family Economic Status and Economic Weakness with Social Marriage Criteria. Also, the variables of

چکیده

ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع حیاتی است که از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. این مقاله به مطالعه‌ی برخی از عوامل مؤثر بر معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان می‌پردازد. مباحث نظری پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه‌ی همسان‌همسری بوده و جامعه‌ی آماری آن دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه کاشان در مقطع کارشناسی ارشد است که از این میان تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه‌ی آماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که بین متغیرهای تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و پایگاه اقتصادی خانواده با معیارهای فردی همسرگزینی و نیز بین متغیرهای تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع، پایگاه اقتصادی خانواده و ضعف توان اقتصادی با معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

Individual Marriage Criteria and Social Marriage Criteria have a significant relationship. Results of Regression Analysis and Path Analysis shows the direct effects of the influence of Reference Groups, Family Economic Status, Economic Weakness and Individual Marriage Criteria on Social Marriage Criteria.

Keywords: Mate Selection Preferences, Reference Group, Economic Status, Students.

همچنین، معیارهای فردی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی دارای رابطه‌ی معناداری بوده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز تأثیر مستقیم متغیرهای تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع، پایگاه اقتصادی خانواده، ضعف توان اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی بر معیارهای اجتماعی همسرگزینی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: معیارهای همسرگزینی، گروه‌های مرجع، پایگاه اقتصادی، دانشجویان

مقدمه

ازدواج سنتاً رابطه‌ای تلقی می‌شود که به شکلی حقوقی به رسمیت شناخته شده، میان یک زن و مرد بزرگسال است، و همراه با برخی از حقوق و تکالیف می‌باشد (مارشال، ۱۳۸۸: ۶۹۲). به عبارت دیگر، ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۵). اما بر مبنای تعریفی دیگر، ازدواج فرایندی از تعامل بین زن و مرد است که تحت شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی است. ازدواج دارای منشأ زیستی جسمانی و روانی است و از فطرت و آفرینش ویژه انسان‌ها مایه گرفته است و بنابراین از ضروریات زندگی هر انسانی به شمار می‌آید که فرهنگ نیز بر آن افزوده می‌شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲).

اهداف ازدواج و تئوری همسرگزینی در جوامع و در دوران‌های گوناگون، متفاوت بوده است و در هر موقعیتی متناسب با فرهنگ و ارزش‌های متنوع، تا حدودی فرق داشته است. بدون تردید همسرگزینی و اهداف مورد تأکید در ازدواج با توجه به شرایط خاص هر جامعه پیوسته دگرگونی‌هایی داشته است اما هیچ‌گاه بدون هنجار

نبوده است (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۲). در عصر حاضر و در اکثر جوامع کنونی جهان، همسرگزینی به شیوه‌ی انتخابی و آزاد معمول و مرسوم است. در این شیوه، انتخاب همسر به دلخواه و با رضایت طرفین است که با انگیزه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۵۵). از این رو، دلایل، انگیزه‌ها و معیارهای همسرگزینی به عنوان یک کنش فردی و اجتماعی اهمیت بسزایی یافته است. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تاکنون نظریه‌های گوناگونی را درباره‌ی معیارهای همسرگزینی ارائه کرده و شواهد زیادی را در تحقیقات تجربی فراوان برای صحت و اعتبار هریک از نظریه‌ها شناسایی و ارائه کرده‌اند. در ادامه به مباحث نظری و تجربی در این زمینه پرداخته شده است.

همسان‌همسری^۱ به الگوی انتخاب همسر بر اساس ویژگی‌های مشترکی، مثل نژاد / قومیت، پیشینه‌ی مذهبی، سن، تحصیلات یا طبقه‌ی اجتماعی اشاره دارد. همسان‌همسری چهارچوبی کلی تعیین می‌کند که افراد در محدوده‌ی آن شریک زندگی خویش را انتخاب می‌کنند (کندال، ۱۳۹۳: ۴۵۲). در همه‌ی نظام‌های همسرگزینی معمولاً به ازدواج همسان تمایل وجود دارد و اشخاص در انتخاب همسر خود با توجه به ویژگی‌های مختلف او به همسان‌گزینی گرایش دارند (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۵۸). از نظر باورمن انسان دانسته یا نادانسته در پی‌گزینش همسری است که صفاتی هم‌گون با او داشته باشد. از این رو افراد در تمامی سنین، در میدانی فراخ‌تر از آن‌که تصادف بتواند بر آن کارگر شود با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۴۶). افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش و ویژگی‌های بی‌شمار دیگر، تمایل بیشتری به ازدواج با یک‌دیگر دارند. با این حال، شواهد کمی در مورد تشابه در عوامل روان‌شناختی نظیر شخصیت و خلق و خو وجود دارد (هاگس و کرولر، ۲۰۱۱: ۳۱۸). با این وجود، برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در برخی از همسانی‌ها در همسرگزینی کاهش یافته است. برای نمونه مطالعه‌ی فریمل و همکارانش (۲۰۱۳) با

^۱. Homogamy

استفاده از شواهد ثبت شده از اتریش در یک بازه زمانی از ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۷ نشان می‌دهند که همسانی دینی و قومیتی در همسرگزینی کاهش یافته و نیز ناهمسانی دینی و قومیتی تأثیری بر نرخ طلاق ندارند (فریمل و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۱).

به طور کلی همسان‌همسری در گونه‌های مختلفی ظهور و بروز دارد که در این‌جا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. ۱. همسان‌همسری شخصیتی: شخصیت عبارت است از عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه‌ی بودن او و به طور کلی آنچه همواره با او هست و موجب تمایز او از دیگران می‌شود (گنجی، ۱۳۸۶: ۲۲۰). نظام شخصیت افراد به قدری مهم است که می‌تواند در شکل‌دهی به معیارهای همسرگزینی ایفای نقش نماید. در این باره، نتایج تحقیق خادمی و صادقیان نشان می‌دهد که برای هر یک از رگه‌های شخصیتی معیارهای خاصی مهم است. برای مثال برای افراد روان‌رنجور (معیارهای شخصیتی، خانوادگی و اقتصادی)، افراد برون‌گرا (معیارهای ظاهری و اقتصادی)، افراد انعطاف‌پذیر و افراد موافق (معیارهای سلامتی و اقتصادی) و برای افراد با وجدان (معیارهای شخصیتی، سلامتی و ظاهری) اهمیت دارد (خادمی و صادقیان، ۱۳۹۱: ۶۷). به این ترتیب همسان‌همسری شخصیتی می‌تواند تشابه در معیارها و سازگاری خانوادگی را به همراه داشته باشد، ۲. همسان‌همسری مذهبی: مذهب عامل دیگر انتخاب همسر است. گروه‌های مذهبی معمولاً درون‌همسر هستند یعنی از محدوده‌ی هم‌دین‌های خود فردی را انتخاب می‌کنند. درون‌همسری مذهبی هم تابع نوع دین و هم میزان مذهبی بودن فرد است (اعزازی، ۱۳۸۵: ۹۹-۹۸)، ۳. همسان‌همسری سنی: سن نیز از عوامل مؤثر بر گزینش همسر است. از نظر کارلسون چون انتظارات و شیوه‌های نگرشی اشخاص در سنین مختلف فرق می‌کند و افرادی که دارای سن متفاوت هستند، در فرهنگ و اندیشه‌های‌شان نیز تفاوت وجود دارد، از این رو تفاوت وسیع سنی، تفاوت‌های وسیع فرهنگی و جهان‌بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر خواهد گذاشت (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۶۳)، ۴. همسان‌همسری طبقاتی (اقتصادی): طبقه اقتصادی و قشری که فرد به آن تعلق دارد

از عوامل تعیین کننده انتخاب همسر است. طبقه عاملی است که حدود انتخاب همسر را به میزان زیادی تعیین می کند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). خانواده ها نیز عمدتاً همسانی طبقاتی و اقتصادی مورد حمایت قرار می دهند. هر خانواده ای در جامعه از طریق روابط اجتماعی که برای فرزند خود ایجاد می کند، امکان ازدواج نامتجانس (برون طبقه ای) را کم و امکان ازدواج متجانس (درون طبقه ای) را زیاد می کند (اعزازی، ۱۳۸۵: ۹۸) و ۵. همسان همسری اجتماعی و فرهنگی: از نظر وبر، همسان خواهی با گروه های منزلت ارتباط مستقیم دارد. این امر در جوامع معاصر در ازدواج افرادی از سلسله مراتب اداری بالا و گروه های نفوذ با افراد فرودست قابل مشاهده است (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۵۹). عوامل فرهنگی نیز یکی از شاخص های مهمی است که یک زوج را به یک دیگر نزدیک می کند؛ زمینه های فرهنگی، روابط بین آن دو را خلاق، جالب و پویاتر می نماید. بر اساس تحقیقات، هر اندازه فرد با همسر خود وجوه اشتراک فرهنگی بیشتری داشته باشد، برای سازگاری با او آماده تر است و با اختلافات کم تری مواجه می شود (نوابی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۰). تحصیلات معمولاً هم چون شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و هان بینی انسان ها است. از این رو سنخیت تحصیلی به معنای تشابه در دیدگاه ها نیز هست. به نظر می رسد که در برابر همسان همسری تحصیلی که به ارتقاء زن می انجامد، در زمینه ی همسان همسری اجتماعی، مردها هستند که از طریق ازدواج ارتقاء می یابند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۷۳).

در برابر تفکر همسان همسری، نظریه ی ناهمسان همسری^۱ مطرح شده است که معتقد است افراد به ازدواج با کسانی تن در می دهند که نیازهای شان را برآورده سازد و زندگی شان را تکمیل کند. مدافعان این نظریه بی شباهتی و ناهمسانی و به خصوص صفات تکمیل کننده را انگیزه ی وصلت افراد می دانند (نوابی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۴). مشهورترین نظریه ی ناهمسان همسری، نظریه ی نیازهای مکمل^۲ است که توسط رابرت

1. Heterogamy

2. Complementary needs

وینچ^۱ در دهه‌ی پنجاه میلادی ارائه شده است. بر اساس این نظریه، ناهمسانی دو فرد از لحاظ قابلیت‌های ذهنی، از یک سو میان آن‌ها پیوند ایجاد می‌کند، و از سوی دیگر به رضایت از زندگی زناشویی کمک می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۸۲). به اعتقاد وینچ از میان تمامی افراد واجد شرایط، معمولاً انسان همسری را انتخاب می‌کند که از طریق او حداکثر رضایت در رفع نیازهای خود را کسب کند. یعنی همسری مکمل انتخاب می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). به طور کلی، مفروضات اصلی مدل نظری وینچ عبارت‌اند از: ۱. همه‌ی رفتارهای انسانی معطوف به ارضای نیازهاست، ۲. همه‌ی این نیازها آگاهانه نیستند و عده‌ی زیادی از مردم از وجود بعضی از نیازهایشان بی‌خبرند، اما این نیازها در ناخودآگاه آن‌ها وجود دارد هرچند ممکن است واقعی هم نباشند، ۳. نیازها در جریان رشد و تکوین شخصیت آموخته می‌شوند و بنابراین تحت تنظیم هنجاری قرار می‌گیرند و ۴. این نیازها باید درون هنجارهای کلی درون همسری و برون همسری گروه تجلی یابند. این هنجارها با تعریف محدوده‌ی اختیار افراد به آن‌ها این اجازه را می‌دهند تا از میان افراد واجد شرایط، همسر خود را انتخاب کنند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

وینچ در تحقیق خود روی ۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه نورث وسترن که با یک‌دیگر ازدواج کرده بودند به این نتیجه رسید که هر یک از آن‌ها در پی ارضای پاره‌ای از نیازهای شخصی خود است و در نتیجه در صدد انتخاب همسری است که به دلیل دارابودن خصلت‌های فردی متفاوت، بتواند نیازهای ویژه‌ی او را برآورده سازد. برای مثال اگر شوهر متمایل به فرمان‌دهی باشد، زن احتمالاً مایل است منشی فرمان‌بر و چیره‌پذیر باشد و بالعکس اگر مرد دارای خصلتی مطیع باشد، زن موجودی مستقل و حاکم می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۸۲). علاوه بر ویژگی شخصیتی سلطه‌گری در برابر سلطه‌پذیر بودن زوج، نمونه‌های دیگر از نیازهای مکمل می‌تواند شامل مسئولیت در برابر وظیفه‌شناسی، اصلاح در برابر آشوب‌گری، بی‌نظمی در برابر نظم (ناکس و

^۱. Robert F. Winch

شاخت، ۲۰۰۹: ۱۸۲)، برون‌گرا در برابر درون‌گرا، مستقل در برابر وابسته (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱) و ... باشد. هلن فیشر نیز در مطالعه‌ی خود بر روی ۲۸۰۰ نفر از شرکت‌کنندگانی که در وب‌سایت chemistry.com در پی انتخاب همسر بودند، شواهدی را برای نیازهای مکمل شناسایی کرد. از لحاظ شخصیت، کارگردان‌ها (با شخصیت‌های تحلیلی، قاطع و متمرکز) افراد گفت‌وگوکننده (با شخصیت‌های درون‌گرا، کلامی و بصری) را جست و جو می‌کردند (ناکس و شاخت، ۲۰۰۹: ۱۸۲).

در مجموع، بر اساس رویکرد ناهمسان‌همسری و به ویژه نظریه‌ی نیازهای مکمل وینچ، مکمل بودن نیازها به جای همسانی ویژگی‌ها و خصوصیات، اساس عملکرد هر نظام همسرگزینی است. اما با وجود جذابیت‌هایی که نظریه‌ی وینچ دارد، نقدهایی نیز از سوی برخی نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران به آن وارد شده است از جمله این‌که: ۱. این نظریه در جوامعی می‌تواند صادق باشد که جریان همسرگزینی کاملاً بدون دخالت دیگران صورت گیرد، ۲. نیازهای مکمل نمی‌تواند متقاعدکننده باشد زیرا ممکن است فردی خصوصیتهایی داشته باشد، ولی مکمل آن خصوصیت را در همسرش نخواهد (مانند آرامش)، ۳. محققان نتوانسته‌اند به یک الگو از تفاوت‌های مکمل دست یابند، ۴. همبستگی بین تصور شخص از شخصیت واقعی همسرش بسیار کم است، ۵. این نظریه فرض می‌کند که مردم یا مطیع هستند و یا مستقل. در حالی که بسیاری از مردم دارای مجموع خصیصه‌های مکمل هستند. برای مثال یک مرد ممکن است در محیط کار مسلط باشد، اما در منزل نیازمند سرپرست باشد. یک زن نیز که معمولاً وابسته است، اگر همسرش بی‌کار، بی‌وفا و یا از یک ناتوانی رنج ببرد، مستقل می‌شود و ۶. کسانی که دارای خصائص متضاد هستند، لزوماً یک‌دیگر را جلب نمی‌کنند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۶۷). با توجه به مباحث ارائه شده در خصوص دو نظریه‌ی همسرگزینی، در این پژوهش از نظریه‌ی همسان‌همسری در تعیین معیارهای همسرگزینی بهره گرفته شده است.

در سال‌های اخیر مطالعات تجربی فراوانی در مورد معیارهای همسرگزینی انجام شده است که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها در راستای اهداف پژوهش حاضر پرداخته شده است. فینگلد (۱۹۹۲) در تحقیق خود با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در معیارهای همسرگزینی، با فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در مورد همسرگزینی، نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان، اهمیت بیشتری برای معیارهای غیرفیزیکی نظیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی، جاه‌طلبی، منش و هوش قائل هستند و بیشترین تفاوت جنسیتی در منابع اکتسابی مانند پایگاه و جاه‌طلبی مشاهده شده است (فینگلد، ۱۹۹۲). گریتمر (۲۰۰۷) نیز با فراتحلیلی که از پنج مطالعه‌ی انجام شده درباره‌ی معیارهای همسرگزینی در زن و مرد انجام داد، نتیجه می‌گیرد که مردها در انتخاب خود زنانی را ترجیح می‌دهند که از لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر از خودشان باشند. در مقابل زن‌ها، مردانی را ترجیح می‌دهند که علاوه بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی، از نظر درآمد و تحصیلات هم از آن‌ها بالاتر باشد (گریتمر، ۲۰۰۷). همچنین، پژوهشی با عنوان ناهمسانی آموزشی و رضایت زناشویی در بین زوجین، توسط شریل تاینز در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هنگامی که شوهران تحصیلات بالاتری نسبت به همسران خود داشتند، رضایت از زندگی زناشویی کمتر از مواقعی بوده است که همسران از تحصیلات بالاتری نسبت به شوهران خود برخوردار بوده‌اند (تاینز، ۱۹۹۰).

از جمله‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز می‌توان به پژوهشی با عنوان *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر معیارهای همسرگزینی* توسط علیرضا کلدی و مریم غفوریان قالیباف در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داده که بین جنس با اهمیت دادن به معیارهای اجتماعی، بین جنس، سن، میزان درآمد و تحصیلات پدر با اهمیت دادن به معیارهای مذهبی و بین جنس، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر با اهمیت دادن به معیارهای اقتصادی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (کلدی و غفوریان قالیباف، ۱۳۸۷).

پژوهش دیگری با عنوان *بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز* توسط مهناز علی اکبری دهکردی در سال ۱۳۸۶ انجام شده است. اولین هدف این پژوهش عبارت است از این که ملاک‌های اساسی که دختران جوان در زمان ازدواج و انتخاب همسر به آن‌ها اهمیت می‌دهند، کدام است؟ در این رابطه نتایج این پژوهش نشان داد که ۱. در مورد خصوصیات شخصی همسر آینده اکثریت دختران جوان به برخورد‌های اجتماعی، سطح تحصیلات، باهوش بودن، ایمان مذهبی، خوش اخلاق بودن، عفت و پاک‌دامنی همسر آینده‌ی خود اهمیت زیادی می‌دهند اما مواردی چون فاصله‌ی سنی، وضع مالی و ظاهری و وضع اقتصادی همسر آینده‌ی خود چندان اهمیت نمی‌دهند؛ ۲. در مورد توافق با همسر آینده، اکثریت دختران جوان به توافق در اخلاق، علائق، طرز تفکر و عقاید مذهبی با همسر آینده‌ی خود اهمیت زیادی می‌دهند اما به تناسب شکل خود با همسر آینده تاحدودی اهمیت می‌دهند؛ ۳. پاسخ‌گویان این پژوهش درباره‌ی معیار خانواده‌ی همسر آینده به اعتبار اجتماعی همسر آینده، تناسب فرهنگ و سواد خانوادگی میان خانواده خود و خانواده‌ی همسر آینده و استقلال از دو خانواده اهمیت زیاد و خیلی زیادی قائلند اما به قومیت و نژاد همسر آینده اهمیت کمی می‌دهند و ۴. همچنین در زمینه‌ی معیار پزشکی در انتخاب همسر آینده، اکثریت دختران جوان به مشاوره‌ی ژنتیک و عدم بیماری‌های ارثی در ازدواج خیلی اهمیت زیادی می‌دهند. دومین هدف این پژوهش نیز عبارت است از این که آیا ملاک‌های همسرگزینی دختران جوان اهوازی با توجه به سن، زبان مادری، ترتیب تولد، اندازه‌ی خانواده، سواد والدین و ناحیه‌ی تحصیلی آنان متفاوت است؟ که در این رابطه نیز نتایج نشان دادند که هر چه قدر سن دختران جوان بیشتر باشد میزان اهمیت به ملاک‌های عامل خانواده و عامل خصوصیات شخصی همسر آینده کمتر می‌شود و در رابطه با سواد والدین نتایج نشان داده که هر چه قدر سواد والدین خصوصاً سواد مادر بیشتر باشد، به طور معناداری، میزان اهمیت به ملاک‌های عامل توافق بیشتر است. همچنین میزان اهمیت معیار وضع مالی و ظاهری همسر آینده در دختران دانش‌آموز ناحیه‌ی ۴

بیشتر از نواحی ۱، ۲ و ۳ است و میزان اهمیت معیار مسائل مذهبی و اخلاقی همسر آینده در ناحیه‌ی ۴ کمتر از ناحیه‌ی ۳ است (علی اکبری دهکردی، ۱۳۸۶).

بررسی عوامل مؤثر بر معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد،

عنوان پژوهش دیگری است که توسط اکبر زارع شاه آبادی و علیرضا زارع شاه آبادی در سال ۱۳۸۱ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که پسران بیشتر از دختران به معیارهای ظاهری در انتخاب همسر توجه دارند و دختران در مقایسه با پسران بیشتر بر معیارهای مذهبی در انتخاب همسر تأکید می‌کنند. همچنین افرادی که دارای پایگاه اجتماعی بالاتر هستند بر معیارهای ظاهری و اشخاصی که دارای سن بالاتری می‌باشند بر معیارهای مذهبی تأکید بیشتری دارند (زارع شاه آبادی و زارع شاه آبادی، ۱۳۸۱).

پژوهشی دیگر با نام **سبک‌های دلبستگی و شیوه‌ی همسرگزینی (چندهمسری - تک همسری)** توسط مسعود عارف‌نظری و محمدعلی مظاهری در سال ۱۳۸۴ انجام شد. پژوهشگران در این پژوهش با قبول پیش‌فرض تأثیرگذار بودن الگوهای دلبستگی بر الگوهای ارتباطی بزرگ‌سالی به دنبال بررسی سبک‌های دلبستگی مردان چندهمسر و تک‌همسر و جست و جوی تفاوت‌های احتمالی میان این دو گروه از مردان بوده‌اند. در واقع سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از این‌که آیا سبک‌های دلبستگی ناایمن عاملی برای چندهمسری محسوب می‌شوند و یا این رفتار فاقد دلایل رشدی زمینه‌ساز اختلالات رفتاری است؟. نتایج این پژوهش نشان دادند که سبک دلبسته‌ی ایمن در میان دو گروه تک‌همسر ۷۵ درصد و چندهمسر ۶۵ درصد رایج‌تر می‌باشد. از این رو سبک‌های دلبستگی ناایمن نمی‌توانند عامل تعدد زوجین افراد باشند. این رفتار با الگوی دلبستگی ایمن، ارتباط بیشتری را نشان می‌دهد (عارف‌نظری و مظاهری، ۱۳۸۴).

پژوهش دیگری با عنوان مقایسه‌ی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان سال

اول با دانشجویان سال سوم و بالاتر توسط ابوالفضل غفاری، علی تیرگانی و علیرضا

سنایی پور در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. فرضیات این پژوهش عبارت اند از جایگاه معیارهای خانوادگی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی، جسمی و اعتقادی در انتخاب همسر برای دانشجویان ورودی جدید (سال اول) با دانشجویان ورودی قدیم (سال سوم و بالاتر) متفاوت است. نتایج این پژوهش نشان دادند که به استثنای مؤلفه‌ی دینی، مجموع مقایسه‌ها بین میانگین‌نمرات، حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار بین دانشجویان است (غفاری و تیرگانی، ۱۳۸۹).

به طور کلی فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از ۱. بین متغیرهای معیارهای فردی همسرگزینی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی در بین دو گروه زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد، ۲. بین تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و معیارهای فردی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد، ۳. بین پایگاه اقتصادی خانواده و معیارهای فردی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد، ۴. بین ضعف توان اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد، ۵. بین تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد، ۶. بین پایگاه اقتصادی خانواده و معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد، ۷. بین ضعف توان اقتصادی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد و ۸. بین معیارهای فردی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد.

روش

در این پژوهش از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است و جامعه‌ی آماری آن شامل تمامی دانشجویان مجرد و شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه دولتی کاشان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ است که از این میان تعداد ۲۴۰ نفر به صورت سهمیه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

همچنین پرسشنامه‌ی مورد استفاده به صورت محقق ساخته بوده که جهت برآورد پایایی آن، تعداد ۳۵ پرسشنامه در پیش‌آزمون مورد استفاده قرار گرفته و با استفاده از آزمون *آلفای کرونباخ* پایایی آن مورد سنجش قرار گرفت. از آن جا که همه‌ی ضرایب *آلفای* به دست آمده بالاتر از $0/6$ بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش ابزاری پایا و اعتمادپذیر بوده است. جدول شماره‌ی ۱ به تعریف عملیاتی هریک از شاخص‌ها می‌پردازد. در این جدول، گویه‌های شاخص‌ها نیز مشخص شده‌اند.

جدول ۱: شاخص‌ها و گویه‌های اصلی پژوهش

شاخص‌ها	گویه‌ها
تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	۱. میزان اهمیت نظر دوستان در انتخاب همسر، ۲. میزان اهمیت نظر والدین در انتخاب همسر، ۳. میزان اهمیت نظر خویشاوندان در انتخاب همسر، ۴. میزان اهمیت نظر خواهر یا برادر در انتخاب همسر و ۵. میزان اهمیت نظر اساتید دانشگاه در انتخاب همسر.
پایگاه اقتصادی خانواده	۱. درآمد ماهیانه‌ی پدر، ۲. درآمد ماهیانه‌ی مادر، ۳. قیمت تقریبی منزل مسکونی (در صورت ملکی بودن) و ۴. قیمت تقریبی اتومبیل (شخصی یا خانوادگی).
ضعف توان اقتصادی	۱. عدم برخورداری از مسکن، ۲. عدم برخورداری از شغل مناسب، ۳. بالا بودن هزینه‌های جشن ازدواج، ۴. میزان اهمیت برگزاری مراسم گوناگون ازدواج، ۵. میزان اهمیت تهیه‌ی تجهیزات سنگین (برای دانشجویان دختر)، ۶. میزان اهمیت تهیه‌ی مهریه‌ی سنگین (برای دانشجویان پسر).
معیارهای فردی همسرگزینی	۱. میزان اهمیت خصوصیات ظاهری همسر، ۲. میزان اهمیت خصوصیات اخلاقی همسر، ۳. میزان اهمیت مستقل بودن همسر، ۴. میزان اهمیت ویژگی‌های معنوی و اعتقادی همسر، ۵. میزان اهمیت ویژگی‌های روحی و روانی همسر و ۶. میزان اهمیت تناسب سن با همسر.
معیارهای اجتماعی همسرگزینی	۱. میزان اهمیت اصالت خانوادگی همسر، ۲. میزان اهمیت پایگاه اجتماعی همسر و ۳. میزان اهمیت هم‌سطح بودن با همسر از نظر اجتماعی و فرهنگی، ۴. میزان اهمیت هم‌شهری بودن همسر، ۵. میزان اهمیت خویشاوند بودن همسر و ۶. میزان اهمیت سطح درآمد همسر.

یافته‌ها

یافته‌های تجربی این پژوهش در بخش توصیفی نشان دادند که بیشترین فراوانی از نظر جنس، مربوط به زنان با ۱۳۱ نفر ($54/6$ درصد)؛ از نظر سن، در طبقه ۲۵ سال با ۱۶۹ نفر ($70/4$ درصد)، از نظر محل سکونت، در گروه شهرنشین با ۲۲۵ نفر ($93/8$

درصد)؛ از نظر وضعیت شغلی، در گروه غیر شاغلین با ۲۳۰ نفر (۹۵/۸ درصد و از نظر قومیت، در گروه فارس با ۱۹۳ نفر (۸۰/۴ درصد) بوده‌اند. همچنین بیشترین میزان فراوانی و درصد، از نظر میزان تحصیلات پدر، در طبقه‌ی دیپلم با ۷۶ نفر (۳۱/۷ درصد)؛ از نظر میزان تحصیلات مادر، در طبقه‌ی تحصیلات ابتدایی با ۶۸ نفر (۲۸/۳ درصد)؛ از نظر وضعیت شغلی پدر، در گروه مشاغل آزاد با ۸۷ نفر (۳۶/۳ درصد)؛ از نظر وضعیت شغلی مادر در گروه خانه‌داران با ۲۱۰ نفر (۸۷/۵ درصد)؛ از نظر میزان درآمد ماهیانه‌ی پدر، در طبقه‌ی ۴۰۰-۸۰۰ هزار تومان با ۱۵۸ نفر (۶۵/۸ درصد)؛ از نظر میزان درآمد ماهیانه‌ی مادر، در طبقه‌ی بدون درآمد با ۲۱۰ نفر (۸۷/۵ درصد)؛ از نظر قیمت تقریبی منزل، در طبقه‌ی ۵۰-۱۰۰ میلیون تومان با ۸۳ نفر (۳۴/۶ درصد) و از نظر قیمت تقریبی اتومبیل، در طبقه‌ی کمتر از ۱۵-۵ میلیون تومان با ۱۰۷ نفر (۴۴/۶ درصد) قرار داشته‌اند.

همچنین، میزان فراوانی و درصد متغیرهای اصلی پژوهش شامل ضعف توان اقتصادی، تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع، پایگاه اقتصادی خانواده، معیارهای فردی همسرگزینی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی در قالب جدول زیر در سه طبقه‌ی پایین، متوسط و بالا ارائه شده است.

جدول ۲: توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

جمع	طبقات			متغیرها
	بالا	متوسط	پایین	
۲۴۰	۳۵	۱۲۲	۸۳	فراوانی
۱۰۰	۱۴/۶	۵۰/۸	۳۴/۶	درصد
۲۴۰	۳۰	۱۶۲	۴۸	فراوانی
۱۰۰	۱۲/۵	۶۷/۵	۲۰	درصد
۲۴۰	۲۱	۱۵۷	۶۲	فراوانی
۱۰۰	۸/۸	۶۵/۴	۲۵/۸	درصد
۲۴۰	۱۴۰	۸۶	۱۴	فراوانی
۱۰۰	۵۸/۳	۳۵/۸	۵/۸	درصد

۲۴۰	۴۲	۱۶۲	۳۶	فراوانی	معیارهای اجتماعی همسرگزینی
۱۰۰	۱۷/۵	۶۷/۵	۱۵	درصد	

با توجه به جدول شماره ۲، بیشترین میزان فراوانی در متغیر ضعیف توان اقتصادی در طبقه‌ی متوسط (با ۵۰/۸ درصد)، در متغیر تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع در طبقه‌ی متوسط (با ۶۷/۵ درصد)، در متغیر پایگاه اقتصادی خانواده در طبقه‌ی پایین (با ۶۵/۴ درصد)، در متغیر معیارهای فردی همسرگزینی در طبقه‌ی بالا (با ۵۸/۳ درصد) و در متغیر معیارهای اجتماعی همسرگزینی در طبقه‌ی متوسط (با ۶۷/۵ درصد) قرار دارد.

جهت آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش، از آزمون T و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نخستین فرضیه، عبارت از تفاوت معنادار معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی در میان زنان و مردان می‌باشد. در این مورد، جدول شماره ۳ به آزمون این فرضیه می‌پردازد.

جدول ۳: آزمون رابطه‌ی بین جنس و معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی

متغیرهای اصلی	جنس	فراوانی	میانگین	میزان آزمون	سطح معناداری	نتیجه‌ی نهایی آزمون
معیارهای فردی همسرگزینی	زن	۱۳۱	۲۵/۱۲۲	۳/۶۷۴	۰/۰۰۰	وجود رابطه‌ی معنادار
	مرد	۱۰۹	۲۳/۵۶۸			
معیارهای اجتماعی همسرگزینی	زن	۱۳۱	۲۰/۹۷۷	۴/۳۸۸	۰/۰۰۰	وجود رابطه‌ی معنادار
	مرد	۱۰۹	۱۸/۹۷۲			

مقایسه‌ی میانگین‌های متغیر معیارهای فردی همسرگزینی در بین زنان و مردان، و همچنین میزان و سطح معناداری آزمون T، نشان دهنده‌ی آن است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($T = ۳/۶۷۴$)؛ به بیان دیگر، معیارهای فردی همسرگزینی بین زنان و مردان تفاوت معناداری باهم دارند و اهمیت آن در بین زنان بیش‌تر از مردان است. مقایسه‌ی میانگین‌های متغیر معیارهای اجتماعی همسرگزینی در بین زنان و مردان، و همچنین میزان و سطح معناداری آزمون T، نشان دهنده‌ی آن

است که بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($T = ۴/۳۸۸$)؛ به بیان دیگر، معیارهای اجتماعی همسرگزینی بین زنان و مردان تفاوت معناداری باهم دارند و اهمیت آن در بین زنان بیش تر از مردان است.

جدول ۴: نتایج آزمون روابط میان متغیرهای اصلی پژوهش

نتیجه‌ی نهایی آزمون	سطح معناداری	میزان پیرسون	متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۰۸	۰/۱۵۶	ضعف توان اقتصادی	معیارهای فردی
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	همسرگزینی
عدم رابطه‌ی معنادار	۰/۲۳۹	-۰/۰۴۶	پایگاه اقتصادی خانواده	
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۳۳	۰/۱۱۹	ضعف توان اقتصادی	
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴	تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	معیارهای اجتماعی
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۲۰	۰/۱۳۲	پایگاه اقتصادی خانواده	همسرگزینی
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۴۵۰	معیارهای فردی همسرگزینی	

جدول شماره‌ی ۴ با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، به بررسی روابط میان متغیرهای اصلی پژوهش می‌پردازد. بر اساس این جدول بین متغیرهای *ضعف توان اقتصادی* ($R = ۰/۱۵۶$) و *تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع* ($R = ۰/۲۵۴$) با معیارهای فردی همسرگزینی؛ و نیز بین متغیرهای *ضعف توان اقتصادی* ($R = ۰/۱۱۹$)، *تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع* ($R = ۰/۳۴۴$) و *پایگاه اقتصادی خانواده* ($R = ۰/۱۳۲$) با معیارهای اجتماعی همسرگزینی رابطه‌ی معناداری مشاهده شده است. همچنین، معیارهای فردی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی ($R = ۰/۴۵۰$) دارای همبستگی

معناداری بوده‌اند. اما بین متغیر ضعف توان اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است.

تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کالانتری، ۱۳۸۲: ۱۶۹). روش رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که آیا میان خود متغیرهای مستقل همبستگی وجود دارد یا خیر (مولر و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۴).

جدول ۵: تحلیل گام به گام رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر معیارهای اجتماعی همسرگزینی

مراتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	R	R^2	R^2 تعدیل شده	خطای استاندارد
گام اول	معیارهای فردی همسرگزینی	۰/۴۵۰	۰/۲۰۳	۰/۱۹۹	۳/۲۷۱
گام دوم	تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	۰/۵۰۹	۰/۲۵۹	۰/۲۵۳	۳/۱۶۱
گام سوم	پایگاه اقتصادی خانواده	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۰/۲۷۶	۳/۱۱۱

جدول شماره ۵، به تحلیل رگرسیونی متغیرهای پژوهش با استفاده از روش گام به گام^۱ پرداخته است. بر اساس این جدول، معادله‌ی رگرسیونی تا سه گام پیش رفته است: در گام اول متغیر معیارهای فردی همسرگزینی، در گام دوم متغیر تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و در گام سوم متغیر پایگاه اقتصادی خانواده به معادله‌ی رگرسیونی راه یافته‌اند. بر اساس جدول بالا، ضریب همبستگی چند متغیره (R) در گام سوم ۰/۵۳۴ است. ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در گام سوم نیز نشان می‌دهد که سه متغیر وارد شده به معادله در مجموع می‌توانند حدود ۰/۲۸۵ (۲۸/۵ درصد) از واریانس متغیر معیارهای اجتماعی همسرگزینی را پیش‌بینی یا تبیین کنند. به عبارت دیگر، متغیرهای مذکور در مقایسه با دیگر متغیرهای پژوهش بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته‌ی پژوهش داشته‌اند.

^۱. Stepwise

جدول ۶: عناصر متغیر درون معادله‌ی رگرسیونی برای پیش‌بینی معیارهای اجتماعی همسرگزینی

ردیف	نام متغیر	B	Beta	T	Sig. (T)
۱	معیارهای فردی همسرگزینی	۰/۴۳۱	۰/۳۹۴	۶/۹۱۸	۰/۰۰۰
۲	تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	۰/۲۹۶	۰/۲۵۱	۴/۴۰۲	۰/۰۰۰
۳	پایگاه اقتصادی خانواده	۰/۳۲۲	۰/۱۶۲	۲/۹۳۱	۰/۰۰۴

جدول بالا نشان می‌دهد که متغیرهای معیارهای فردی همسرگزینی ($\beta = 0/394$) = β)، تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع ($\beta = 0/251$) و پایگاه اقتصادی خانواده ($\beta = 0/162$) توانسته وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند. در مجموع، با توجه به آزمون‌های رگرسیونی، شکل عمومی رگرسیون چند متغیره‌ی به دست آمده به صورت زیر است. این معادله‌ی رگرسیونی نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهایی که می‌توان به واسطه‌ی آن‌ها معیارهای اجتماعی همسرگزینی را پیش‌بینی (تبیین) کرد به ترتیب عبارتند از معیارهای فردی همسرگزینی، تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و پایگاه اقتصادی خانواده.

$$Y = (\text{معیارهای فردی}) + 0/251 (\text{تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع}) + 0/162 (\text{پایگاه اقتصادی خانواده}) + 0/394 (\text{همسرگزینی}) + 2/864$$

تحلیل مسیر^۱ یکی از روش‌های پیشرفته‌ی آماری است که نشان‌دهنده‌ی کیفیت و چگونگی تأثیرات خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و هم‌چنین تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر است. در این جا برای ترسیم نمودار مسیر ابتدا رگرسیون گام به گام اجرا شد و نتایج آن نشان داد که متغیرهای معیارهای فردی همسرگزینی، تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و پایگاه اقتصادی خانواده تأثیر خاصی بر متغیر وابسته (معیارهای اجتماعی همسرگزینی) دارند. هم‌چنین میان متغیرهای مذکور نیز همبستگی وجود دارد؛ بدین معنا که متغیر معیارهای فردی همسرگزینی خود متأثر از متغیر گروه‌های مرجع است (با ضریب تأثیر ۰/۲۷۱).

1. Path Analysis

جدول ۷: تأثیر مستقیم، غیر مستقیم و تأثیر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی پژوهش

نام متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
معیارهای فردی همسرگزینی	۰/۳۹۴	-	۰/۳۹۴
تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع	۰/۲۵۱	۰/۱۰۰	۰/۳۵۱
پایگاه اقتصادی خانواده	۰/۱۶۲	-	۰/۱۶۲

جدول شماره‌ی ۷ میزان اهمیت متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی پژوهش در تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر را نشان می‌دهد. براساس نتایج تحلیل مسیر، متغیرهای معیارهای فردی همسرگزینی (با تأثیر کل ۰/۳۹۴)، تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع (با تأثیر کل ۰/۳۵۱) و پایگاه اقتصادی خانواده (با تأثیر کل ۰/۱۶۲) بر متغیر وابسته، یعنی معیارهای اجتماعی همسرگزینی اثرگذار بوده‌اند. شکل شماره‌ی ۱ نحوه‌ی تأثیر متغیرهای ذکر گردیده را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مسیر عوامل مؤثر بر معیارهای اجتماعی همسرگزینی به همراه ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف اصلی مطالعه‌ی معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان، به مطالعه‌ی نظری و تجربی معیارهای همسرگزینی و

نیز برخی از عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. مباحث نظری ارائه شده نشان می‌دهد که به طور کلی دو نظریه‌ی مهم در این زمینه عبارت‌اند از نظریه‌ی همسان‌همسری، که بر صفات و ویژگی‌های مشترک بین زوجین تأکید دارد و به گونه‌های متفاوتی تقسیم می‌شود و نیز نظریه‌ی ناهمسان‌همسری که به ویژه در نظریه‌ی نیازهای مکمل جلوه یافته و بی‌شباهتی، ناهمسانی و خصوصیات غیر مشترک را برای رفع نیازهای طرفین ازدواج لازم می‌داند. در نهایت نظریه‌ی همسان‌همسری به عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت.

در بخش تجربی نیز نتایج آزمون‌های آماری نشان دادند که از هشت فرضیه‌ی مطرح‌شده، هفت فرضیه مورد تأیید قرار گرفتند. به طور کلی نتایج نشان می‌دهند که بین معیارهای فردی همسرگزینی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی در بین دو گروه زن و مرد تفاوت معناداری وجود داشته و اهمیت این معیارها در میان زنان بیشتر از مردان بوده است. این یافته، نتیجه پژوهش‌های فینگلد (۱۹۹۲) و کلدی و غفوریان قالیباف (۱۳۸۷) را تقویت می‌نماید. همچنین، با تأیید فرضیه‌ی دوم (رابطه‌ی تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و معیارهای فردی همسرگزینی)، فرضیه‌ی چهارم (رابطه‌ی ضعف توان اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی)، فرضیه‌ی پنجم (رابطه‌ی تأثیرپذیری از گروه‌های مرجع و معیارهای اجتماعی همسرگزینی)، فرضیه‌ی ششم (رابطه‌ی پایگاه اقتصادی خانواده و معیارهای اجتماعی همسرگزینی)، فرضیه‌ی هفتم (رابطه‌ی ضعف توان اقتصادی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی)، فرضیه‌ی هشتم (رابطه‌ی معیارهای فردی همسرگزینی و معیارهای اجتماعی همسرگزینی)، علاوه بر تأیید مباحث نظری درباره‌ی همسان‌همسری در تعیین معیارهای همسرگزینی، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده را تأیید می‌نماید. اما فرضیه‌ی سوم (رابطه‌ی پایگاه اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی) مورد تأیید قرار نگرفته است. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز، تأثیر مستقیم متغیرهای تأثیرپذیری از گروه‌های

مرجع، پایگاه اقتصادی خانواده، ضعف توان اقتصادی و معیارهای فردی همسرگزینی بر معیارهای اجتماعی همسرگزینی را نشان می‌دهد.

در مجموع، نتایج به دست آمده از این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی در میان دانشجویان و نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در شکل دادن به آن، ضرورت توجه هرچه بیشتر به این موضوع را متذکر می‌شود. بر این اساس مهم‌ترین پیشنهادهای این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. تقویت مهارت‌های پیش از ازدواج دانشجویان از طریق برپایی کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی از سوی روان‌شناسان و مشاورین دانشگاه، ۲. ضرورت توجه بیشتر و مستمر به فرهنگ همسرگزینی در رسانه‌ها و مطبوعات دانشگاهی نظیر مجلات روان‌شناسان و مشاوران دانشگاه، ۳. حمایت مادی و معنوی از انجام پژوهش‌های روان‌شناختی و مشاوره‌ای در میان دانشجویان در سطح دانشگاه، ۴. مشارکت هرچه بیشتر گروه‌های مرجع و تأثیرگذار، به ویژه اساتید در گفت‌وگوها و مشاوره‌های دانشجویی در زمینه‌ی ازدواج و معیارهای همسرگزینی و ۵. نتایج این پژوهش نشان دادند که ارتباط قوی بین عوامل اقتصادی با معیارهای فردی و اجتماعی همسرگزینی وجود دارد، از این رو، توجه و اهتمام بیشتر مدیران و برنامه‌ریزان در دانشگاه و جامعه به مسأله‌ی اشتغال جوانان و دانشجویان، متناسب با رشته و سطح تحصیلات آن‌ها، گامی مؤثر در بهبود و اعتلای سطح معیارهای همسرگزینی خواهد بود.

منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- تقوی، نعمت اله (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات پیام نور.
- خادمی، علی و صادقیان، مرجان (۱۳۹۱). بررسی معیارهای همسرگزینی برحسب ویژگی‌های شخصیت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یزد در سال ۹۱-۹۰. فصلنامه‌ی زن و مطالعات خانواده، سال پنجم، شماره‌ی هفدهم، ص ۶۷.

زارع شاه آبادی، اکبر و زارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌ی سی و نهم و چهلم، صص ۷۳-۵۶.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سروش. عارف‌نظری، مسعود و مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). سبک‌های دلبستگی و شیوه‌ی همسرگزینی (چندهمسری - تک همسری)، فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی، سال اول، شماره‌ی چهارم، صص ۴۰۳-۳۹۳.

علی اکبری دهکری، مهناز (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز، دو ماهنامه‌ی علمی - پژوهشی دانشور رفتار، سال چهاردهم، شماره‌ی بیست و پنجم، صص ۸۲-۷۵.

غفاری، ابوالفضل، تیرگانی، علی و سنایی‌پور، علیرضا (۱۳۸۹). مقایسه‌ی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان سال اول با دانشجویان سال سوم و بالاتر، مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، صص ۳۵۴-۳۵۳.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی (با استفاده از نرم افزار SPSS)، تهران: انتشارات شریف.

کلدی، علیرضا و غفوریان قالیباف، مریم (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر معیارهای همسرگزینی، مجله‌ی جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره‌ی اول، صص ۱۷۰-۱۵۵. کندال، دیانا (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه‌ی فریده همتی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. گنجی، حمزه (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات ساوالان.

مارشال، گوردون (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات میزان. مولر، جان هنری، شوسلر، کارل و کستنر، هربرت (۱۳۷۸). استدلال آماری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییب، چاپ اول، تهران: نشر نی.

نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۳). مشاوره‌ی ازدواج و خانواده‌درمانی، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان. هاشمی، سید ضیاء، فولادیان، مجید، فاطمی امین، زینب (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه‌ی رقیب همسرگزینی در ایران، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی چهارم، صص ۱۶۹-۱۶۲.

Feingold A. (1992). Gender differences in mate selection preferences: a test of the parental investment model, *Journal of Psychological Bulletin*, 112 (1), 125.

- Frimmel, W., Halla, M. & Winter-Ebmer, R. (2013). Assortative Mating and Divorce: Evidence from Austrian Register Data, *Journal of the Royal Statistical Society Series A (Statistics in Society)*, 176(4), 11.
- Greitemeyer, T. (2007). What do men and women want in a partner? Are educated partners always more desirable?, *Journal of Experimental Social Psychology*, 43(2), 180.
- Hughes, m. & Kroehler, C. J. (2011). *Sociology: The Core*, Tenth Edition, New York, McGraw- Hill Companies.
- Knox, D. & Schacht, C. (2009). *Choices in Relationships: An Introduction to Marriage and the Family*, Tenth Edition, Belmont: Wadsworth, Cengage Learning.
- Tynes, Sh. R. (1990). Educational heterogamy and marital satisfaction between spouses, *Journal of Social Science Research*, 19(2), 153.



